

جهانی شدن آموزش عالی



نیما شهیدی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مقدمه

جهانی شدن، پدیده‌ای است که به سرعت در تمام ابعاد و زوایای جامعه بشری در حال نفوذ گسترش است. به عبارت دیگر جنبه‌های مختلف زندگی انسانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و حیطة تأثیر گزاری آن کل زندگی انسان است.

از طرف دیگر علاوه بر آنکه جهانی شدن بر پدیده‌های مختلف تأثیر گذار است، از آنها نیز متأثر می‌گردد. به عبارت دیگر، پیشرفت فناوری و ظهور شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت یا ماهواره‌های مخابراتی باعث شده است که جهانی شدن نیز با سرعت بیشتر و به نمونه‌هایی متنوع‌تر، بر زندگی جوامع انسانی تأثیر بگذارد و با در نوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی امکان ارتباط سریع بین افراد جوامع و نظامها را فراهم نماید.

علاوه بر آن، جهانی شدن پدیده‌ای در حال تکوین است، یعنی هر روز و با گذشت زمان به شکل و شیوه‌های متفاوت و جدید، متجلی می‌شود، تکامل تدریجی می‌یابد و سطح این مراحل، خود و وضعیت نظام‌های موجود محلی، ملی، منطقه‌ای را به چالش و داشته و به نوعی آنها را به رقابت وامی‌دارد.

از آنجا که یکی از مهمترین بخشهای فرهنگ هر جامعه بخش آموزش تعلیم و تربیت آن می‌باشد و پایدار شدن شیوه‌های نوین ارتباط در سطح، جهانی بی شک تأثیرات عمده‌ای بر روند جهانی شدن، تعلیم و تربیت خواهد گذاشت.

در این میان، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که جهانی شدن بر آنها موثر است، جنبه فرهنگی جوامع است باعث چالشهای عمده‌ای گردیده است. بنابراین تفکر و تفحص اندیشمندان در باب وضعیت موجود نظام آموزش عالی و تبیین آن و فراهم آوردن چشم اندازی جدید و طراحی رویکردی استراتژیک برای استفاده از فرصتها و کاستن از تهدیدهای جهانی شدن، باعث پیوستن به قافله جهانی شدن در این جنبه و بهبود کیفیت آموزشی در نظام آموزش عالی و دانشگاههای کشور می‌گردد.

تعریف جهانی شدن:

از جهانی شدن به عنوان یکی از مهمترین پدیده‌های زمان حاضر تعاریف و تعابیر مختلفی ارائه شده است و اندیشمندان مختلف از جنبه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند و در هر زمینه، تعریفی درباره جهانی شدن، ارائه داده‌اند. رابرتسون جهانی شدن را به معنای درهم فشرده شدن جهان و تبدیل آن به مکانی واحد قلمداد می‌کند و جهانی شدن را یک فرآیند کم و بیش مستقل معرفی می‌کند که منطق، جهت و نیروی محرک خود را داراست.

(رابرتسون، ۱۳۸۰)

اسپرلینگ جهانی شدن را نیروی غالبی می‌داند که محیطهای متعددی را که در آن زندگی می‌کنیم، به طور مثبت شکل می‌دهد و عقیده دارد که این نیروهای اقتصادی و هدایت تکنولوژی‌های ارتباطات دیجیتالی بین افراد یا سازمانهایی که در جهان حضور دارند، بر این پدیده مؤثرست. در انجام این کار، ارتباط، وابستگی‌های متقابل را به نوعی شدت می‌بخشد و از طرف دیگر، اشکال جدید واکنشهای محلی و ابراز هویت را به وجود می‌آورد. (اسپرلینگ، ۲۰۰۱)

مک گرو، جهانی شدن را تشدید صرف پیوند متقابل جهانی می‌داند. پیوندهای مورد اشاره مک گرو، شامل پیوندها و روابط اجتماعی و ساختاری است. مانند افزایش عبور کالا و اطلاعات مردم و سرمایه‌ها و موجودیتی نسبتاً جدید مثل نظام حمل و نقل سریع بین المللی و کوتاه شدن مبادله پیام‌ها از طریق پیام رسانی الکترونیکی. (مک گرو، ۱۹۹۲)

به نظر هالاک جهانی شدن ترکیبی از تجارت آزاد کالا و خدماتی است که با تحرک آزاد سرمایه همراه باشد. (هالاک، ۱۹۹۸)

دایره المعارف انکارتا جهانی شدن را واژه‌ای می‌داند، برای ظهور یک جامعه جهانی که در آن رویدادهای اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی در یک نقطه از جهان، تأثیرات مهم و پرشتابی بر مردم سایر نقاط جهان می‌گذارد و جهانی شدن را نتیجه پیشرفت در نهاد ارتباطات، حمل و نقل و اطلاعات می‌داند. (انکارتا، ۲۰۰۶)

گیدنز جهانی شدن را پدیده‌ای میداند که بیشتر مردم را در وضعیتی قرار میدهد که نهادها و فعالیتهای آنها، از طریق روابط اجتماعی جهانی شده و این امر جنبه‌های اصلی زندگی آنها را سازماندهی میکند. (گیدنز، ۱۳۷۳)

شولت با رجوع به ادبیات معاصر پنج تعریف کلی از جهانی شدن به شرح زیر ارائه می‌دهد:

۱- جهانی شدن به معنای بین المللی شدن: این تعریف رشد تبادل بین المللی و وابستگی بین کشورها را توصیف می‌کند و تعریفی جدید از روابط بین کشورها و جایگزینی اقتصاد بین المللی به جای اقتصاد ملی ارائه می‌دهد.

جهانی منجر می شوند. مثل اختراع رایانه و به وجود آمدن شبکه های ارتباطی رایانه ای و اینترنت که مرزهای جغرافیایی را در بر می گیرد و در نتیجه آن، یک تحول جهانی رخ می دهد که طی آن جوامع و افراد آنها در ارتباط نزدیکی با یکدیگر قرار می گیرند و از این طریق تعامل چشمگیری میان آنها به وجود می آید. در مقابل جهانی سازی، یک تلاش غالباً عمدی است که طی آن می کوشد نظامی ایدئولوژیک یا اجتماعی یا اقتصادی را با پدیده های طبیعی جهانی شدن پیوند بزند و از این طریق آنها را جهانی کند. این گونه جهانی سازی از دهه ۱۹۸۰ و به موازات فروپاشی شوروی سابق شدت یافته است. به عقیده کلای، جهانی شدن معمولاً به منزله فرآیند در نظر گرفته می شود. اما جهانی سازی به منزله یک طرح می باشد. (کلای، ۱۹۹۹)

رویکردهای عمده در باب جهانی شدن:

به طور کلی سه رویکرد عمده در باب جهانی شدن قابل ملاحظه است.

۱- رویکرد/ایجابی یا مثبت:

این رویکرد برداشتی مثبت از جهانی شدن ارابه می دهد. از این دیدگاه جهانی شدن به مثابه ضرورتی اجتناب ناپذیر بوده و طرفداران این نگرش به صورت کاملاً اغراق آمیز، به فرآیند جهانی شدن نگرسته و بر این باورند که می بایست برای تحقق هر چه سریعتر ایده جهانی شدن، با همه توان و سرعت از همه ظرفیت های جهانی استفاده کرد. این گروه از صاحب نظران جهانی شدن را موجب تحریک کردن افراد و جوامع بشری به هم دانسته و آن را موجب ارتقای همبستگی و

پیشرفته، به خصوص فناوریهای ارتباطی- اطلاعاتی به ویژه به وجود آمدن شبکه های اینترنتی و ماهواره ای.

دوم: به وجود آمدن پیمانهای

منطقه ای و فرامنطقه ای بین کشورها، به منظور گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشورها و گشوده شدن مرزهای کشورها بر روی یکدیگر که منجر به تاسیس سازمانهایی چون:

ASEANAFTA, WTO, GATT, OPEC، کمیسیون

اروپا، پیمان شینگن، سازمان کنفرانس اسلامی، پارلمان اروپا و ... گردید.

اما از جمله سازمانهای بسیار تاثیرگذار بر روند جهانی شدن، سازمان تجارت جهانی یا WTO می باشد که به لحاظ ساختار خود و نوع ارتباطات کشورها در آن، تاثیر به سزایی بر فرآیند جهانی شدن داشته است. هر چند این سازمان در زمینه اقتصادی و تجاری بازرگانی بین کشورها فعالیت می کند و هدف آن توسعه تجارت آزاد و تبادل سرمایه کشورها، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی است، اما به دلیل آنکه مسایل اقتصادی غالباً با تصمیم گیریهای سیاسی و تعاملات و چالشهای اجتماعی و فرهنگی در کشورها همراه است، WTO عملاً، در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن در کشورهای مختلف و مطرح شدن مفهوم جهانی شدن بر اساس ابعاد و وجوه، در زندگی بشری، نقش برجسته ای داشته است. تفاوت جهانی شدن و جهانی سازمان مقصود از جهانی شدن وضعی است که کم و بیش به طور طبیعی در نتیجه تحولات جهانی بروز می کند. برخی پدیده ها به طور طبیعی یا اجتناب ناپذیر به تحولات

۲- جهانی شدن به معنای آزاد سازی: میزان تعریف جهانی شدن در ارتباط با فرآیند حذف موانع تجاری و کنترل سرمایه است که از طرف دولت بر تحرکات بین کشورها تحمیل می شود. در این معنی، هدف، ایجاد دنیای اقتصادی بدون مرز است.

۳- جهانی شدن به معنای همگانی و یکی شدن: بر اساس این تعریف جهانی شدن فرآیند اشاعه کالاها و ایده ها و تجربیات به مردم سراسر دنیاست، که می توان به اشاعه کامپیوتر و ماهواره و وسایل ارتباطی مثل تلفن همراه اشاره کرد.

۴- جهانی شدن به معنای غربی شدن یا مدرنیته شدن: این تعریف جهانی شدن را به معنای نیروی پویایی می بیند، که در آن ساختارها مدرنیته مانند کاپیتالیسم، صنعتی شدن و بروکراسی، بر دنیا چیره شده و فرهنگهای موجود محلی را نابود می کند.

۵- جهانی شدن به معنای قلمروزدایی یا توسعه ادغام قلمروها در هم و تبدیل آن به قلمرو واحد: در این تعریف جهانی شدن بر هم زدن و برداشتن فضاها، محدوده ها و فاصله ها و مرزهای جغرافیایی است. (شولت، ۲۰۰۰)

تاملینسون عقیده دارد که جهانی شدن باید در قلمرو فرهنگ مورد توجه قرار گیرد که به منطقه زدایی فرهنگ می انجامد. یعنی وابستگی فرهنگ، به محل، منطقه و سرزمینی خاص را از میان بر می دارد. (تاملینسون، ۱۳۸۱)

در بررسی تاریخچه جهانی شدن می توان به دو عامل، به عنوان عوامل تقویت کننده و تشدید کننده نظریه جهانی شدن اشاره نمود. اول: رشد روز افزون فناوری های

احداث شعب خارجی شرکتها در کشورهای دیگر، انتقال سرمایه و سرمایه گذاری های خارجی در بخشهای گوناگون اقتصادی از نشانه های جهانی شدن در امور اقتصادی است.

این بعد از جهانی شدن با ظهور سازمانهای بین المللی مانند WTO GATT که به منظور تجارت آزاد بین اعضای خود به وجود آمدند و پیمانها یا سازمانهای منطقه ای مثل ASEAN, NAFTA به شکل سازمان یافته ای بروز یافت. از نظر « کدیور » بعد اقتصادی جهانی شدن مربوط به نظام های تولید مبادله، توزیع و مصرف و کالاها و خدمات ملموس می گردد. (کدیور، ۱۳۸۳)

اسمیت معتقد است که پنج تحول عمده اقتصادی در جهانی شدن اقتصاد مؤثر است که عبارتند از آزاد سازی و یکپارچگی، تخصصی شدن تجارت، تحول در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، پیشرفت فن آوری، آزادسازی بازار و مقررات. (اسمیت، ۱۹۹۹)

جهانی شدن در زمینه اقتصادی، پیامدهای منفی نیز در بر دارد. به ویژه، برای کشورهایی که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند. ولی این کشورها باید با انتخاب راههای مناسب و پیوستن به اقتصاد جهانی مخاطرات آنرا کاهش دهند.

پدیده جهانی شدن، در فرآیند تاثیرگذاری خود بر جنبه های مختلف زندگی انسان، بر بسیاری از سازوکارهای سیاسی ملتها و دولتها نیز تأثیر می گذارد و حتی دولتهای ملی مسلط و بسیار متمرکز که به نظر می رسد با اعمال کنترل های شدید، مانع از ارتباط آزاد افراد جامعه خود با جامعه جهانی می گردند نیز از گزند جهانی شدن در امان نخواهند ماند، زیرا

که نه آنچنان مجذوب جهانی شدن هستند که آنرا تنها راه برای زندگی انسان امروزی بدانند و نه از آن ابراز تنفر کرده و می خواهند به جای حل مسئله، صورت مساله را پاک کنند، بلکه می کوشند با نگاهی واقع بینانه، بین دو نگرش قبلی فاصله بگذارند.

عده ای معتقدند که در این دیدگاه، نقد و تحلیل جهانی شدن در تمام ابعاد آن، از جهت روش شناسی و معرفت شناسی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. به عبارت دیگر، این رویکرد، به دنبال یافتن نظری برای چگونگی روبرو شدن با پدیده جهانی شدن است و صاحب نظران این رویکرد، چنین می پندارند که آنان که جهانی شدن، را از طریق نوعی روند تقلید و تکراری کورکورانه تعریف می کنند و یا کسانی که آنرا صرفاً رویدادی مخرب و شیوه ای برای مسخ فرهنگی ملتها و نابود کردن کشورهای ضعیف می دانند، هر دو از قدرت تحلیل این پدیده و ارزیابی جهات مختلف آن، عاجز بوده و ابعاد متنوع آنرا نادیده می انگارند. (بخشی، ۱۳۸۲)

ابعاد جهانی شدن:

جهانی شدن پدیده ای است که تمامی جنبه های زندگی انسانی را در بر می گیرد و دارای ابعاد مختلفی است این ابعاد را می توان به چهار دسته طبقه بندی کرد که عبارتند از: بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی و بعد فرهنگی.

بعد اقتصادی:

از آنجا که جهانی شدن، ابتدا از اقتصاد شروع گردید، اصلی ترین سازوکارهای جهانی شدن در بعد اقتصادی است. زدودن مرزهای جغرافیایی از فعالتهای اقتصادی، و رشد چشمگیر انتقال شرکتها و

پیوستگی فرهنگی ملتها، ورای مرزهای ملی و قومی و محلی دانند. که این امر نتیجه تحولات ناشی از انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات می باشد.

طرفداران این نگرش با تاکید بر پدیده جهانی شدن بر این باورند که دیگر دوران قملرو یک دست یک ملت به پایان رسیده و فرآیند جهانی شدن و حاکمیت اقتصاد و سلطه بازار، خود یک نظام نوین اجتماعی را ایجاد خواهد کرد. ۲- رویکرد سلبی یا منفی:

بر اساس این رویکرد، جهانی شدن امری منفی تلقی گردیده و آنرا نوعی توطئه و دام جهانی پنداشته اند که کشورهای غربی برای استعمار کشورهای ضعیف طراحی کرده اند.

طرفداران این رویکرد بر این عقیده اند که اندیشه جهانی شدن به معنای دقیق آن، در حال حاضر، یک رویا و آرمان بیشتر نیست و نباید تمام توان و قدرت و ظرفیت دولتها و ملتهای مستقل را نادیده انگاشت و زمینه انزوای ملت های فقیر را فراهم ساخت. آنان معتقدند که جهانی شدن، نمی تواند تجربه ای جز نابرابری توزیع درآمد در سطح جهان، کم رنگ شدن نقش دولتها در فعالتهای کلان اقتصادی و بی ثباتی و سستی در وابستگی های ملی و فرهنگی به همراه داشته باشد.

بنا به نظر «خسروی»، مخالفان جهانی شدن معمولاً این پدیده را جهانی سازی می نامند و معتقدند که این امر به شکاف و تضاد شدید میان فقرا و اغنیا دامن خواهد زد و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی را پیش از بیش گسترش خواهد داد. (خسروی، ۱۳۸۳)

۳- رویکرد انتقادی یا تعاملی:

این دیدگاه از آن کسانی است

جامعه شناختی جهانی شدن را در اختیار داشته باشیم و علوم اجتماعی نیز، باید ابزارهای تحلیل جهانی شدن را در اختیار داشته باشد تا بتواند این پدیده را به درستی بررسی و تحلیل نماید. (سجادی، ۱۳۸۳)

«سربرنی» درک واقعی جهانی شدن در بعد اجتماعی را مستلزم بررسی دقیق ساختار جوامع غربی، بسترهای اجتماعی که غرب روی آن حرکت می کند و هم چنین مطالعه ساختار روابط بین جوامع مختلف با هم می داند، و بیان می دارد که در فهم بعد اجتماعی جهانی شدن، درک چگونگی عملکرد نظام ها و چگونگی تاثیرگذاری این نظام ها از داخل و خارج بسیار مهم است (سربرنی، ۱۹۹۹).

همه ملت هایی که در جوامع و در مرزهای ملی و جغرافیایی خود زندگی می کنند، دارای عقاید، ایدئولوژیها و هنجارهایی هستند، دارند که نسبت به آنها پای بند می باشند. و جهانی شدن با گسترش ارتباطات میان ملتها و تبادل اطلاعات میان جوامع عملاً باعث بوجود آمدن شاخصها و هنجارهای جدیدی در میان جوامع گشته است و با تاثیر گذاشتن بر نحوه زندگی آنها ملاکهای مختلف زندگی اجتماعی مردم را تغییر داده و به سمت و سوی یک شکل شدن پیش می برد. به هر حال جهانی شدن پدیده ای است که دارای بعد اجتماعی است که به بروز تحولات اساسی، در مناسبات مردم با دولتها، دولتها با دولتها و تحول در نحوه نگرش و رفتارها و شیوه های زندگی جمعی منجر می شود.

بعد فرهنگی:

یکی از چالش برانگیزترین ابعاد جهانی شدن بعد فرهنگی آن می باشد. برخی، فرآیند جهانی شدن را نوعی تهاجم فرهنگی می دانند، در حالیکه برخی، دیگر یکی شدن فرهنگ ملتها که حاصل پیشرفتهای عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه های رایانه ای و ماهواره ای می باشد را یکی از جنبه های مثبت پدیده جهانی شدن تلقی می کنند. «سجادی» بیان میکند که برخی، جهانی شدن فرهنگ را تابعی از جهانی شدن اقتصادی می دانند در حالی که بعضی دیگر تحولات فرهنگی ناشی از جهانی شدن فرهنگی را به طور مستقل از اقتصاد در نظر می گیرند. (سجادی، ۱۳۸۳)

از آنجا که جهانی شدن فرهنگی با ابعاد فرهنگی ملتها سروکار دارد، شاخصهای فرهنگی ملل و جوامع، هدف این بعد از جهانی شدن قرار می گیرد. که از آن جمله می توان به شاخصهایی چون دین، عقاید و آراء، سمبلها، تعلیم و تربیت، فرهنگ قومی، ادبیات و موسیقی و هنرهای مختلف و ... اشاره نمود. برخی جهانی شدن فرهنگی را نویدی در مسیر ایجاد جهانی دموکراتیک و متحد می دانند که با اتکا به یک فرهنگ جهانی شکل می گیرد و عده ای آنرا باعث از دست رفتن و گم شدن هویت می دانند.

به هر حال جهانی شدن با سرعتی فزاینده، فرهنگ ملتها را تحت تاثیر خود قرار می دهد و از طرفی دیگر، نفوذ و گسترش فرهنگ شکل یافته در فضای رو به رشد جهانی شدن، باعث می شود که فرهنگهای ملی و محلی در حاشیه قرار گیرد و که این امر چالشهای

هر چه دسترسی افراد به اطلاعات بیشتر شود، توانایی دولتها در محدود ساختن افراد ضعیف تر می شود.

جهانی شدن معاصر در بعد سیاسی، دامنه قدرت سیاسی و اقتدار و اشکال حاکمیت را متحول می کند «تاجیک» بیان می دارد که جهانی شدن قدرت ها را با هر میزان فاصله فیزیکی در مجاورت بی سابقه هم قرار می دهد و پتانسیل تهدید را بالا می برد، بنابراین، ساختارهای سیاسی فیزیکی موجود را به مبارزه می طلبد. (تاجیک، ۱۳۸۰)

بسیاری از حکومت های تمرکز گرا در اثر بروز پدیده جهانی شدن ناگزیر، از اعطای آزادیهای بیشتر به مردم خود گشتند، حتی در بعضی از آنها شیوه حکومتی دولتها تغییرات عمده ای کرد. در این میان چندین کشور نظام های سیاسی خود را متحد گردانیدند (مانند کشورهای آلمان شرقی و غربی، یمن شمالی و جنوبی) و یا یک کشور متحد به چندین کشور مستقل تبدیل گشت (تبدیل شوروی سابق به کشورهای استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی).

جهانی شدن در بعد سیاسی نیز می تواند پیامدهای منفی ای در برداشته باشد و آن تقویت سلطه کشورهای غربی بر تمام نقاط جهان می باشد. چیزی که رهبران اروپا و آمریکا از آن ابایی ندارند (ولایتی، ۱۳۸۲) و بنابراین لازم است که کشورهای مختلف برای در امان ماندن از عوارض منفی جهانی شدن سیاسی، تدبیرهای لازمی اتخاذ نمایند.

بعد اجتماعی:

یکی از ابعاد مهم دیگر جهانی شدن، بعد اجتماعی آن است، جهانی شدن به نوعی خود یک پدیده اجتماعی است که از بسترهای اجتماعی خاص سر برآورده است. به همین دلیل برای شناخت بعد اجتماعی جهانی شدن باید، تعریف

محتوای آموزش، متناسب با نیاز دنیای کار. - ایجاد یک رویکرد نظام دار آموزشی و ایجاد ارتباط محکم بین محتوای آموزشی و نیازهای بازار کار.

- نیاز به تلفیق مدرنیسم و شهروندی. این بدان معنی است که اگر تعلیم و تربیت درصدد دستیابی به مرز های زندگی مدرن باشد، بایستی بتواند کلیه مهارتهای لازم برای شرکت در زندگی اجتماعی را انتقال دهد و در جامعه مدرن تحولی سازنده ایجاد نماید. (اوتون، ۱۹۹۶)

کارنوی معتقد است که بررسی جهانی شدن در تعلیم و تربیت فراتر از تأثیر آن بر کلاس درس است، گرچه روش عرضه داشتن کلاس درس بخش مهمی از تولید دانش است، اما در این فرآیند نیروهای خارجی متعددی بر جهانی شدن و تولید دانش اثر می گذارند. بر این اساس کارنوی در مسیر شناسایی چگونگی تأثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت به پنج عامل اساسی اشاره می کند که عبارتند از:

۱- تغییر سازمان کار و ظهور اقتصاد دانش محور.

۲- تربیت مهارتهای برتر برای جذب سرمایه گذاری خارجی.

۳- سیاسی شدن اصلاحات آموزشی.

۴- گسترش نفوذ اینترنت و آموزش مجازی.

۵- ضرورت جهت گیری هر چه بیشتر نظام های آموزشی به سمت آموزش بین المللی (کارنوی، ۱۹۹۹)

«هندریکس» بیان کرده است که ساختار آموزش جهانی باید شامل چهار مؤلفه که از واقعیهای تاریخی کنونی مشتق می شود، باشد. این چهار مؤلفه عبارتند از:

۱- بررسی ارزشهای جهانی و انسانی شامل ارزشمندی وجود انسان، و ارزشهای مذهبی ملی و قومی.

۲- بررسی نظام های جهانی مانند نظام های اقتصادی، سیاسی، تکنولوژی و علمی.

۳- بررسی مسائل و مشکلات جهانی مانند، مشکلات فراملی، صلح و امنیت و وسایل محیطی و تضادهای بین المللی.

۴- بررسی تاریخ جهانی مانند ارتباطات و تعاملات میان تمدنها در طول تاریخ (هندریکس، ۱۹۸۸)

فراوانی را در کشورهای مختلف برانگیخته است. با توجه به بعد اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن و تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از جهانی شدن در جوامع و فرهنگها، طبیعی است که تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مشهودترین و مورد توجه ترین ابعاد اجتماعی و فرهنگی ملل و اقوام مختلف، تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار گیرد.

با پیشرفتهای عمده در زمینه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی و به خصوص بهره گیری از رایانه های پیشرفته و شبکه های تلویزیونی، رایانه ای و اینترنت در امر آموزش، تحولات عظیمی در امر تعلیم و تربیت در کلیه سطوح، رخ داده است و استفاده از تکنولوژیهای آموزش نوین در مدارس و دانشگاهها برای پیشرفت تعلیم و تربیت امری اجتناب ناپذیر است.

طرفداران جهانی شدن تعلیم و تربیت معتقدند که تعلیم و تربیت، باید بتواند همانطور که از اثرات جهانی شدن استفاده می برد، خود نیز بر جهانی شدن تأثیر بگذارد و پاسخگوی نیازهای جهانی شدن باشد.

«اسمیت» معتقد است که تعلیم و تربیت عمومی در روزگار جهانی شدن باید سه هدف عمده را دنبال کند. اولین هدف تامین وفاداری ایدئولوژیکی جوانان به نظریه تجارت آزاد جهانی با توجه به حفظ محیط زیست، حقوق مشترک، به توسط دولتها می باشد. دومین هدف راهیابی بازار به قلب و ذهن مشتریان جوان و بستن قراردادهای پر سود در رابطه با تعلیم و تربیت می باشد و سومین هدف هم تبدیل مدارس به مراکز آموزش نیروی کار ماهر مناسب با نیازهای شرکت های داخلی است. (اسمیت، ۱۹۹۹)

«اوتون» ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت را منوط به پاسخگویی نظام های آموزش به نیازهای زیر می داند:

- ارتباط تنگاتنگ نظام های آموزشی با دنیای نوین، دارا بودن ظرفیت پذیرش فن آوری و به کارگیری و آموزش آن به شهروندان، روز آمد شدن روش های آموزش و تغییر



هندریکس معتقد است که دانش آموزان در تعلیم و تربیت جهانی، اولاً درک بیشتری از فرهنگهای دیگر از طریق یادگیری زبان، اقتصاد و بیان همان فرهنگ به دست می آورند. ثانیاً آگاهی از نیاز به وابستگی متقابل بین ملتها در آنها افزایش می یابد و ثالثاً مهارت های ارتباطی آنها برای ارتباط با دیگر فرهنگها و ملل افزایش می یابد (هندریکس، ۱۹۹۸)

به هر حال از وظایف تعلیم و تربیت نظام های آموزشی در دوران جهانی شدن، این است که باید بتواند انسانهایی تربیت کند که بتوانند در دنیای مولد و در حال تغییر امروز زندگی کنند و معلومات لازم را برای زندگی در چنین دنیایی که در آن ارتباطات و شبکه های متصل به هم و تفکر جهانی، حرف اول را می زند به آنها بیاموزند.

«خسروی» بیان می کند که آموزش جهانی فرآیندی است که دانش آموزان، شناخت کلی و جامع از هستی و محیط پیرامون خود به دست می آورند و این را باور می کنند که همه به یک اندازه در دنیا سهیم و شریک هستند و در می یابند که دنیایی فراتر از دنیای همسایگان و دوستان وجود دارد. آموزش جهانی، زمینه آگاهی همه جانبه دانش آموزان از وسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تفاوت های قومی، فرهنگی ملل و جوامع را فراهم می سازد. (خسروی، ۱۳۸۳)

نقش فن آوری اطلاعات و ارتباطات در جهانی شدن تعلیم و تربیت

بی شک یکی از مهمترین پدیده هایی که در امر جهانی شدن تعلیم و تربیت نقش به سزایی داشته است، ظهور فناوریهای پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی بوده است. فن آوری اطلاعات و ارتباطات به نحو چشمگیری، افراد جوامع را به

یکدیگر نزدیک کرده است، فاصله های مکانی را از بین برده و امکان یادگیری در هر زمان را برای همه افراد فراهم نموده است. گرچه از زمان استفاده از این فن آوری در عرصه تعلیم و تربیت مدت زیادی نمی گذرد، اما در همین مدت کوتاه توانسته است موجب تحقق بعضی از رویاهای انسانی در تعلیم و تربیت شود و تحولی عظیم در تعلیم و تربیت بوجود آورد.

کمیسیون آموزش و پرورش آمریکا سه جنبه مهم تعلیم و تربیت را که دو عامل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر آن تاثیر عمده داشتند، چنین برشمرده است:

۱- بردن محیط یادگیری، نزد یادگیرنده به جای آوردن دانش آموز به محیط یادگیری.
۲- تمرکز بر نقاط قدرت و نیازهای فردی یادگیرندگان.
۳- ایجاد محیط یادگیری مداوم و مادام العمر (کمیسیون آموزش و پرورش آمریکا، ۲۰۰۰)

با استفاده از شبکه اینترنت و روشهای تدریس مبنی بر IT (آموزش مجازی) و استفاده از نرم افزارهای چند رسانه ای می توان آموزش را در جایی که امکان دسترسی به معلم و مدرسه و دانشگاه نیست فراهم آورد یا در یک زمان اندک به تعداد زیادی از افراد در نقاط مختلف جهان موضوعات متنوعی را آموزش داد و زمان و مکان یادگیری را گسترش داد و انعطاف پذیر ساخت.

کمیسیون آموزش و پرورش آمریکا اعلام می کند که از میان انقلابات علمی که تا کنون اتفاق افتاده است، مهم ترین تحول بنیادی که بر آموزش تاثیر شگرفی گذاشته و خواهد گذاشت، پیشرفت علوم کامپیوتری و فن آوری اطلاعاتی است (کمیسیون آموزش و پرورش

آمریکا، ۲۰۰۰).

«سانتوز» و «رایت» بیان می کنند که برای پاسخگویی به نیازهای دنیای رقابتی مدرن نظام های آموزش نوین از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در امر یاددهی و یادگیری بهره فراوانی می برند، زیرا اولاً استفاده از این فن آوریها روش های مناسب برای جایگزینی یا تکمیل روشهای سنتی آموزش را ارائه می کنند و به تحقق اهداف آموزش کمک می کنند و ثانیاً فن آوری اطلاعات و ارتباطات می تواند به نظام آموزشی کمک کند تا پاسخگوی نیازهای آموزشی رو به به گسترش باشد (سانتوز و رایت، ۲۰۰۱)

برای اثر بخش کردن فن آوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه آموزش باید پیش نیازهای زیر را فراهم ساخت.

۱- توسعه شبکه اینترنتی با پهنای باند مناسب در وسایل ارتباطی بی سیم و با سیم و تامین شبکه ارتباطی، کامپیوتری و تجهیزات وابسته به آن به طوری که در همه جا قابل دسترس باشد.

۲- تهیه مواد درسی آموزشی برای آموزش به کمک فن آوری اطلاعات، نظیر نرم افزارهای چند رسانه ای و مواد درسی و آموزش مجازی که در این زمینه هنوز در ابتدای راه هستیم و نیاز جدی به توسعه پیشرفت وجود دارد.

۴- آشنا سازی معلمان و مدیران با فن آوری اطلاعاتی و ارتباطی برای توسعه تخصص و مهارتهای آنان جهت استفاده از این فن آوری در آموزش و یادگیری. کمیسیون آموزش و پرورش آمریکا بیان میکند که باید توجه داشت که فن آوری اطلاعات و ارتباطات، حلال همه مشکلات در تعلیم و تربیت نیست، بلکه باید واقع بین بود. زیرا این فن آوری

پیامدهای چالش برانگیز جهانی شدن برای تعلیم و تربیت:

جهانی شدن به عنوان یک پدیده که در عرصه های مختلف به خصوص عرصه های فرهنگی واجتماعی، اقتصادی و سیاسی ظهور نموده است، مشکلات و چالشهایی را در عرصه های فوق و به تبع در عرصه تعلیم و تربیت به وجود آورده است.

«سجادی» عقیده دارد که جهانی شدن انتظارات جدیدی را از نظام های آموزش ملی در زمینه هایی چون انتقال آگاهی، تحول توانمندی ها و شکل دادن نظام های ارزشی به وجود می آورد (سجادی، ۱۳۸۳)

شاید مشکلات جهانی، تا حدی نیازمند بین المللی شدن تعلیم و تربیت باشد، تا آنجا که بتواند ارزشها و ملاکهای مشترکی از آگاهی را برقرار کند. ولی نظام های آموزش محلی چنین تمایلی ندارند.

«هوروات» بیان می کند که پیمانهای متعددی در جامعه اروپا منعقد شده است که از موسسات خواسته اند تا در پی یکپارچگی برنامه هایشان بوده و در تعریفشان از حرفه هایی که تعلیمات لازم را برای آنها را فراهم می کند، تجدید نظر نمایند. پیشنهادهای مبنی بر تمرکز زدایی آموزش با ارایه قول پیشرفت جهانی همراه بوده و به همین دلیل تمرکز زدایی توسط دیگر سازمانهای چند جانبه و بین المللی تشویق و ترویج شده است. (هوروات، ۱۹۹۰)

«مک گین» بیان می کند که قلمرویی چون سازماندهی نظام های آموزش، چگونگی آموزش و تدوین محتوای آموزش از چه مواردی هستند که از جهانی شدن تاثیر می پذیرند. (مک گین، ۱۹۹۷)

از طرف دیگر «تورس» بروز

مشکلاتی پیرامون هویت افراد و گروهها، عدم تحقق تکامل اجتماعی در یک فضای ناامن، فردگرایی، رشد فقر و هم چنین جهت گیری تعلیم و تربیت به سمت برنامه های کوتاه مدت به جای برنامه های بلندمدت را برمی شمرد (تورس، ۱۹۹۸)

از سوی دیگر، باید دانست که اثرات جهانی شدن مستقیماً محدود به تغییر و تحول و نظام های آموزشی نمی شود، «تغییرات» در محیطی که نظام های آموزشی در آن فعالیت می کنند نیز بر تعلیم و تربیت تاثیر می گذارد. مانند تحولات سریع در فن آوری اطلاعات و ارتباطات که نقش تعیین کننده ای در انتقال آگاهیها، مهارت ها و ارزشها به دانش آموزان و دانش جویان دارد و این انتقال از طریق رسانه های جمعی و شبکه هایی انجام می پذیرند که فراملی هستند و به جرأت می توان گفت که هیچ جایی از نفوذ آنها در امان نیست.

«اتون» مولفه های نظام های آموزش جهانی شدن را انعطاف پذیری، آگاهی از نحوه کار، ذهنی گشوده، آموزش مداوم استقلال فردی و خلاقیت می داند و آنها را از ضرورت های جهانی شدن تعلیم و تربیت می داند که باعث تغییرات اساسی در محتوا اهداف و روشهای تعلیم و تربیت می شود (اتون، ۱۹۹۶)

به طور کلی می توان پیامدهای چالش برانگیز جهانی شدن تعلیم و تربیت را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- ظهور رسانه های مدرن مانند اینترنت، ماهواره و رایانه که همگی دارای نقش آموزشی و تربیتی هستند. باعث کاهش کنترل نظام آموزشی بر آموخته ها و کیفیت و جهت گیریهای آموزشی و تربیتی می شود.

۲- تضعیف نظام ها و آموزش

محلی و ملی
۳- تضعیف جایگاه ممتاز دانشگاهها به عنوان محلهای تصمیم گیری پیرامون چگونگی آموزش و تدوین محتوای درسی و سازماندهی رشته های تحصیلی.

۴- کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت که خود محصول ظهور وغلبه تکنولوژی های جدید آموزش و فن آوری اطلاعات می باشد.

۵- هدایت نظام های آموزشی به سمت تامین نیازهای بازار آزاد در جهت سودآوری بیشتر و تامین نیروی کار مناسب برای شرکتهای فراملیتی و القای نگرش سود مدارانه در مورد تعلیم و تربیت.

۶- تغییر جهت گیری برنامه های تربیتی از حالت بلندمدت به کوتاه مدت.

۷- کاهش توجه به اخلاقیات و مقاومتهای فرهنگی ملل و اقوام و ملاکها و ارزشهای مورد علاقه آنها در تعلیم و تربیت.

۸- تضعیف استقلال و دستگه های ملی و محلی در عرصه برنامه ریزیها و تصمیم گیریهای مبتنی بر اقتضانات بومی با ظهور دانشگاهها و مدارس مجازی.

۹- کاهش توجه به جنبه های پرورشی و تربیتی برنامه های آموزشی. (سجادی، ۱۳۸۳)

جهانی شدن و آموزش عالی

آموزش عالی به عنوان یکی از بخشهای تعلیم و تربیت که در آن اهمیت زیادی به علم و دانش داده می شود و تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه را بر عهده دارد، به نوبه خود تاثیر و تأثرات گوناگونی را در رابطه با

«مک نامارا» عقیده دارد که واژه جهانی شدن در آموزش عالی به مقیاسها و تغییراتی که موسسات آموزش عالی برای پذیرش محصولات بازار جهانی آموزش به کار میبرند، مربوط میشود. (مک نامارا، ۲۰۰۲)

«بلوم» آموزش عالی را ابزاری حیاتی، برای کمک به کشورهای در حال توسعه، جهت بهره مندی از مزایای جهانی شدن میدانند. (بلوم، ۲۰۰۲)

«ژیبونز» در تحلیل جهانی شدن آموزش عالی، آنرا دارای طبیعت رقابتی پویا میدانند و فهم این نوع رقابت را برای درک مفهوم جهانی شدن آموزش عالی ضروری میدانند، زیرا آنرا فرایندی میدانند که جهانی شدن را به تولید علم که وظیفه اصلی و کلیدی دانشگاههاست پیوند میدهد. وی تأثیر اصلی جهانی شدن آموزش عالی را بر قلب تپنده دانشگاهها و آموزش عالی، یعنی پژوهش و تحقیقات میدانند. (ژیبونز، ۲۰۰۲)

ابعاد مختلف جهانی شدن، می تواند تأثیرات مهمی بر آموزش عالی داشته باشد که به نوبه خود چالشهایی را در برابر دولتها قرار می دهد و فضایی را به وجود می آورد که در آن، دولتها دیگر در مورد آموزش عالی، تصمیم گیرنده نیستند. در این عصر ظهور تکنولوژی های پیشرفته اطلاعات و ارتباطی و به وجود آمدن شبکه های رایانه ای و اینترنت و ماهواره های امکان آموزش افراد را از این طریق فراهم کرده و این شبکه ها به عنوان رقابتی برای آموزش عالی سنتی مطرح گردیده اند.

با پذیرش جهانی شدن در آموزش عالی، عواملی چون برنامه درسی دولتها، یاددهی و یادگیری و محتوای برنامه های درسی دستخوش تغییرات عمده ای می گردند و آموزش بدون مرز مجازی فراملی و بین المللی مطرح می شود که در آنها مرزهای جغرافیایی آموزش ناپدید گشته و امکان آموزش افراد در تمام نقاط دنیا و در زمانهای مختلف فراهم می گردد.

«یونسکو» بیان می کند که عوامل مؤثر در جهانی شدن آموزش عالی به عنوان تسهیل کننده هایی در توسعه و گسترش موارد زیر عمل می کند:

۱- ظهور تامین کنندگان جدید در امر آموزش عالی، مانند شرکتهای چندملیتی، دانشگاههای مشارکتی و شرکتهای

۲- روشهای جدید آموزش، مانند آموزش از راه دور و رسانه ای، آموزش مجازی، آموزش بوسیله نرم افزارهای چند رسانه ای و تخصصی.

۳- تنوع بیشتر مدرک و رشته های تحصیلی.

۴- قابلیت تبادل و جابجایی رو به رشد دانشجویان، اساتید، در ورای مرزهای ملی و انجام برنامه ها و پروژه های مشترک با دانشگاههای کشورهای خارجی.

۵- تأکید بر آموزش مداوم و شبانه روزی که به نوبه خود تقاضا برای آموزش عالی را افزایش می دهد.

۶- افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی در آموزش عالی

پدیده جهانی شدن دارد.

«یونسکو» بیان می کند که تأثیرات بالقوه جهانی شدن بر آموزش عالی، بسیار مختلف و گوناگون می باشد. از جمله عناصر کلیدی که توسط یونسکو ذکر گردیده، اهمیت فزاینده دانش، توسعه معاهدات جدید در عرصه تجارت که شامل تجارت خدمات آموزشی نیز می گردد، خلاقیت و نوآوری در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأکید بر نقش بازار و اقتصاد بازار در آموزش می باشد. یونسکو معتقد است که توسعه در این زمینه ها تأثیرات عمده ای بر کیفیت، دسترسی، تنوع و سرمایه گذاری در آموزش عالی داشته است.

«همچنین» یونسکو تأثیرات بالقوه جهانی شدن بر آموزش عالی را گوناگون و زیاد میدانند و جنبه هایی از آموزش عالی که تحت تأثیر جهانی شدن قرار میگیرد را شامل تحقیقات، تولید علم، اصلاحات، اداره امور و آزادی عمل دانشگاهها میدانند. (یونسکو، ۲۰۰۳)

«تاواناس» جهانی شدن را جزئی از چرخه زندگی دانشگاهها میدانند و معتقد است که امروزه دانشگاهها در دوره ای از زندگی خود قرار دارند که باید وارد مرحله جهانی شدن شوند. همچنین وی بیان میکند که پذیرفتن جهانی شدن در آموزش عالی ما را با دو گروه از مسایل مواجه میکند. گروه اول، مسایل مربوط به وظایف آموزشی و تحقیق آموزش عالی است و گروه دوم، مسایل مربوط به استراتژیها و سیاستهای آموزشی و سازمانی میباشد. (تاواناس، ۲۰۰۲)

«محمدبای» جهانی شدن آموزش عالی را پیامدی اقتصادی میدانند که تحت کنترل نیازها و فشارهای بازار میباشد و مفهومی رقابتی دارد. همچنین وی اشاره میکند که بسیاری از کشورهای در حال توسعه عموماً از تأمین کنندگان و سرمایه گزاران خارجی برای آموزش عالی استقبال میکنند و حتی در بعضی موارد برای حضور آنها تسهیلاتی قابل میشوند، زیرا بدینوسیله این کشورها میزان دسترسی مردم خود را به آموزش عالی افزایش میدهند بدون اینکه سرمایه گذاری خود را در آموزش عالی افزایش دهند. (محمدبای، ۲۰۰۲)

«وان گینکل» نقش انکار ناپذیر دانشگاهها در جهانی شدن آموزش عالی را در توسعه پایدار علمی و فرهنگی جامعه میدانند. (وان گینکل، ۲۰۰۲)

شدن، تاکید فزاینده‌ای بر برنامه‌ریزیهای آموزشی را موجب شده است. (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳)

«خلخالی» بیان می‌کند که گسترش فناوری و دانش الکترونیک، باعث گرایش دانشگاهها به سمت تلفیق بیشتر رشته‌های نزدیک مرتبط و گسترش رشته‌های بین رشته‌ای گردیده که از پدیده‌های نوظهور تغییرات در برنامه درسی هستند (خلخالی، ۱۳۷۳)

می‌توان گفت که جهانی شدن بر دانشگاهها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی آنها چند تأثیر عمده بر جای گذاشته است که عبارتند از:

الف: گرایش به انعطاف بیشتر و تمرکز تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی، برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع اقتصادی و سازمانهای تولیدی و خدماتی.

ب: شکل‌گیری ارتباطی جدید بین دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بر اساس ساز و کارهایی که از رویدادها و ابعاد متعدد جهانی شدن نشأت گرفته است، مثل الگوهای مدیریت کیفیت جامع، فرهنگ مشارکت، تعهد و تصمیم‌گیری مشترک.

ج: توجه به نیازهای محلی و پاسخ‌گویی به موقع به نیازهای سازمانها و صنایع محلی.

د: اهمیت دادن به مهارتهای اساسی در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و شغلی، مانند آموزش رایانه و ارتباطات کارگاهی، پردازش اطلاعات.

هـ: گرایش به تلفیق و نزدیکی رشته‌ها و مهارت‌های مربوطه

«یونسکو» چالشهای مهم جهانی شدن آموزش عالی را متنوع و وسیع می‌داند و از جمله آنها موارد زیر را ذکر می‌کند:

- دغدغه در مورد کیفیت آموزش عالی
- نابرابری در دسترسی افراد به آموزش عالی
- مشکلات روبه‌رشد و فرار مغزها به کشورهای توسعه یافته

- یکسان شدن فرهنگی و کاهش نقش دولتها در استقرار سیاستهای ملی در آموزش عالی

- رشد برنامه‌های مبتنی بر بازار مثل مهارت فناوری اطلاعات

- کاهش یافتن اهمیت رشته‌های علمی محض هم‌چنین فرصتهای ناشی از جهانی شدن آموزش عالی را موارد زیر می‌داند.

- رشد آموزش عالی و دسترسی بیشتر همه به آموزش عالی.

- تأمین دانش موردنیاز جامعه.
- تنوع و گسترش مدارک تحصیلی.

که توسعه و گسترش این بخشها، تأثیرات مهمی بر آموزش عالی در زمینه‌های کیفیت، دسترسی، تنوع و سرمایه‌گذاری دارد. (یونسکو، ۲۰۰۳)

«مهرعلیزاده» بیان می‌کند که آموزش عالی در سطح گسترده در مقابله با چالش‌های جهانی شدن با مسایل زیادی روبرو است و معتقد است که جهانی شدن، سه چالش عمده در مقابل نظام‌های آموزش عالی به وجود آورده است.

- بحران نظم: که توسعه کمی، موجب بی‌اعتباری دانشگاه می‌شود.

- بحران مشروعیت: که دانشگاه، دیگر تنها منبع تولید علم نیست.

- بحران نهادی: که دانشگاه، دیگر به عنوان یک نهاد نمی‌تواند خود را با نیازهای جامعه سازگار کند.

هر سه بحران فوق، مدیران آموزش عالی را وادار ساخته که راهبردها و سناریوهای نوینی برای رقابت اتخاذ کنند. (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳)

«سانیل» در تبیین سه چالش فوق به بحث در مورد سناریوهایی می‌پردازد که در مدیریت آموزش عالی کشورهای مختلف در حال شکل‌گیری است. این سناریوها عبارتند از:

- سناریوی بدبینانه که بر اساس آن موسسات و شرکتهای متعددی جایگزین دانشگاه‌ها می‌شوند، اما دانشگاهها به صورت صوری وجود دارند.

- سناریوی مبتنی بر مشارکت دولت-بازار که بر اساس آن شرکت‌های دانشگاهی وابسته به اساتید شکل می‌گیرند و تفکیک نقش حرفه‌ای و اجتماعی صورت می‌گیرد.

«سوهندرو» بیان می‌کند که شرکتی شدن دانشگاهها در مالزی و چین با تاکید بر تنوع منابع مالی ترغیب بخش خصوصی در آموزش عالی و رفع تمرکز مدیریتی و اداری نمونه بارز چنین تغییراتی است و در کشور اندونزی دولت برای اداره دانشگاهها اقدام به تأمین شرکتهای خصوصی کرده است و این شرکتهای که به تصویب مراجع قانونی رسیده است، دیگر از دولت کمک مالی دریافت نمی‌کنند. هدف نهایی دولت از چنین اقدامی آن است که دانشگاه به صورت شخصیتی حقوقی، مشمول قوانین تجارت با سرمایه مردمی شوند. (سوهندرو، ۱۳۷۷)

«مهرعلیزاده» بیان می‌کند که گرایش فزاینده دانشگاهها به طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش راهبردی از پیآمدهای آشکار جهانی شدن است و هدف‌گیری دانشگاهها به علت تولید بیشتر دانش و جذب سهم بیشتری از بازارهای وسیع به دست آمده از فرآیند جهانی

مدیران آموزش عالی باید با بهره گیری مدبرانه از فرصتهایی که جهانی شدن برای آموزش عالی و دانشگاهها فراهم آورده و خواهد آورد زمینه تربیت انسانهایی توانمند و ماهر برای توسعه کشور در تمام زمینه ها را فراهم آورند و جامعه رابوسی توسعه و تعالی سوق دهند.

فهرست منابع فارسی

- ۱- عباس بخشی ، جهانی شدن بیم‌ها و امیدها ، حدیث امروز ، قم ، ۱۳۸۲ .
- ۲- محمدرضا تاجیک ، فرآیند جهانی شدن و فراگشت جامعه ایرانی ، فصلنامه مطالعات راهبردی سال چهارم شماره دهم ، تهران ، ۱۳۸۰ .
- ۳- جان تاملینسون ، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مرادی ، سازمان مدیریت صنعتی ، تهران ، ۱۳۸۱ .
- ۴- مجبویه خسروی ، جهانی شدن و تعلیم و تربیت ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت ، انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران ، ۱۳۸۳ .
- ۵- مرتضی خلخالی، (۱۳۷۳)، در هم تنیدن برنامه های درسی در آموزش عالی ، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، شماره ۲، ص ۱۰۹-۱۲۵
- ۶- رونالد رابرتسون ، جهانی شدن تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی ، ترمه کمال پولادی ، نشر ثالث ، ۱۳۷۳ .
- ۷- بیکاس سانیاال ، نوآوری در مدیریت دانشگاهی ، ترجمه ویدا میری ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، تهران ، ۱۳۷۹ .
- ۸- سیدمهدی سجادی ، جهانی شدن تعلیم و تربیت : پیامدها و چالشها ، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی جهانی شدن و تعلیم و تربیت انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران ، ۱۳۸۳ .
- ۹- بامبانگ سوهندرو ، اصلاحات در سیاستهای آموزش عالی اندونزی، ترجمه حسن نفر آباد، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، شماره ۱۵ و ۱۶ ص ۱۳۹- ۱۵۳، ۱۳۷۷ .
- ۱۰- سیدعلی سیادت ، جهانی شدن و تعلیم و تربیت مزایا و معایب ، مجموعه مقالات اولین همایش جهانی شدن و تعلیم و تربیت انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران ، ۱۳۸۳ .

- افزایش قابلیت مقایسه عوامل کیفی.
- تعامل و ترکیب فرهنگها.
- افزایش نقش دیدگاه مبتنی بر بازار.
- سود اقتصادی برای تامین کنندگان آموزش عالی.

- به وجود آمدن و محیطهای جدید دانشگاهی و ایجاد تنوع در آنها. (یونسکو، ۲۰۰۳)

به هر حال آموزش عالی نیز مانند جنبه های دیگر زندگی انسانی ، تحت تاثیر جهانی شدن قرار گرفته است و این تاثیر هر روز بیشتر و به گونه ای جدید ظاهر می شود و لازم است که مدیران آموزش عالی و دانشگاهیان با کسب شناخت و معرفت بیشتر در مورد این پدیده ، ضمن استفاده از وجود مثبت و خوب آن از بروز اثرات منفی احتمالی در آموزش عالی و دانشگاهها جلوگیری نمایند.

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به عنوان نهادهایی که نقش اساسی و تعیین کننده در روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مدرن دارند، خواهند کوشید تا تاثیر جهانی شدن را بر جامعه و نهادهای آن منعکس کنند. چرا که دانشگاهها یکی از کانونهایی هستند که توسعه را هدایت می کنند و به نظریه، ایده ها و نوآوریها شکل می بخشد. و به کارگیری ایده ها را در تمام فضاهای فعالیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فنی افزایش می دهند. بنابراین دانشگاهها یکی از عوامل عمده تعیین کننده میزان موفقیت در رویارویی با چالشها و فرصتهای ناشی از جهانی شدن هستند.

در پایان ، باید متذکر شد که جهانی شدن نه مسبب همه مسایل و مشکلات و مستحق نابود کردن است و نه تنها راه ایده آل به سوی پیشرفت و توسعه، بلکه جهانی شدن هم دارای جنبه های مثبتی است که باید شناخته و شناسانده شوند و هم چنین در برگیرنده جنبه های منفی ای که باید اصلاح گردند. جهانی شدن به همان میزان که فرصتهایی را برای ملل و کشورها پیش می آورد ، تهدیدهایی را نیز در بر دارد که باید مطالعه و مدیریت شوند تا بتواند آن نوع وابستگی جهانی را به وجود آورد که عامل پیشرفتهای عادلانه برای همه کشورها باشد. آموزش عالی و دانشگاهها هم به عنوان یکی از جنبه های مهم زندگی بشر امروزی که تحت تاثیر جهانی شدن قرار گرفته از این امر مستثنی نیست.